



**جنگ اوکراین و وضعیت اقتصادی امروز جهان، ایالات متحده را به عربستان نزدیک کرده است**

# نفت عامل پیوند واشنگتن و ریاض

روابط ایالات متحده با عربستان سعودی، پس از روی‌کارآمدن دولت جو بایدن، در مقایسه با روابط گرمی که دولت دونالد ترامپ با ریاض بنا نهاده بود، رو به سردی گذاشت. دونالد ترامپ، در اولین سفر خارجی خود به عربستان سعودی رفت، درحالی‌که بایدن یک‌سال‌ونیم پس از ورود به کاخ سفید، هنوز درحال بررسی برنامه سفر به عربستان است. در ماه‌های گذشته روزنامه وال‌استریتژورنال و برخی دیگر از رسانه‌های آمریکایی در چند گزارش نوشتند روابط آمریکا و عربستان سعودی در پایین‌ترین سطح خود قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد که اکنون وضعیت در حال تغییر است.

ماه گذشته سفارت عربستان سعودی در واشگتن با صدور بیانیه‌ای نسبت به انتشار گزارش‌ها درباره سردی رابطه ریاض و واشگتن واکنش نشان داد و آنها را تکذیب کرد. در بیانیه سفارت عربستان سعودی، روابط واشگتن و ریاض «تاریخی» و «مستحکم» توصیف شد. هفته گذشته نیز شاهزاده خالد بن سلمان، معاون وزیر دفاع عربستان سعودی در واشگتن با جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی دولت بایدن و لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، گفت‌وگو کرد.

به‌دنبال این دیدار، وزیر دفاع ایالات متحده، در پیامی در توئیتر روابط ریاض و واشنگتن را «مستحکم» توصیف کرد و نوشت آمریکا به این روابط متعهد است و با عربستان

رابطه ایالات متحده و عربستان در سال‌های اخیر به دلایل متعددی از جمله افزایش تولید نفت آمریکا و وابستگی کمتر اقتصاد اول جهان به نفت مهم‌ترین متحد خود در خاورمیانه رو به سردی گراییده است اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، نفت به‌عنوان یکی از عوامل دوردشدن واشنگتن و ریاض، می‌تواند عامل نزدیکی این دو کشور هم باشد. علاوه‌براین، مقام‌های دولت جو بایدن تلاش‌هایی محرمانه برای عادی‌سازی رابطه عربستان و اسرائیل انجام داده‌اند. رسانه‌های عربستان در روزهای اخیر از دیدار محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در جده با تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا خبر داد.

بر اساس گزارش خبرگزاری رسمی عربستان، محمد بن سلمان با کریس استوارت، نماینده کنگره از ایالت یوتا، گای رشنال از ایالت پنسیلوانیا و لیزا مک‌کلین از ایالت میشیگان، دیدار کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در این نشست بر سر موضوع‌های موردعلاقه طرفین گفت‌وگو شده است. در بخشی از این گزارش آمده است که بررسی روابط ریاض-واشگتن و گفت‌وگو درباره مسائل مشترک، محور گفت‌وگوها با هیئتی آمریکایی بوده است. در این دیدار عادل الجبیر، وزیر خارجه و ریما بنت بندر، سفیر عربستان سعودی در واشگتن و نیز رئیس بخش سیاسی امور کنگره در سفارت عربستان در واشگتن نیز حضور داشتند.

# تحقیق و تفحص از کانون وکلا!؟



صالح نقره‌کار وکیل دادگستری

۱- این تکلیف مجلس است که ناظر بر اجرای قانون باشد. چیدمان نظام تفکیک قوا این صلاحیت تخصصی را برای مجلس قائل شده تا ابزار نظارت را برای تثبیت و تضمین حکومت قانون به کار گیرد. اصل ۷۶ قانون اساسی حق تحقیق و تفحص «در تمام امور کشور را» به مجلس سپرده است، اما بر اساس ماده ۱۹۸ اصلاحی آیین‌نامه داخلی مجلس دامنه شمول این اصل محدود شده و مثلا امور ماهیتی قضائی و پرونده‌های جرایمی قضائی از آن مستثنا شده است. شهروندان حق دارند از مجلس مطالبه نظارتگری در افق خیر عمومی و منافع همگانی کنند.

۲- سؤال این یادداشت این است که تمام امور کشور دقیقا یعنی چه؟ مثلا حریم خصوصی یا روابط و مناسبات اشخاص غیردولتی یا امور داخلی شرکت‌های مردم و مؤسسات تابع حکمرانی صنفی هم مشمول قید «تمام امور کشور» است؟ در پاسخ به این پرسش باید به دو پیش‌فرض توجه کرد. اول نشان مجلس «نظارت سیاسی» است. نمایندگان مردم ناظر بر حسن جریان امور بر سبیل حکومت قانون هستند و بر تک‌تک نهادها و ارکان اداره عمومی کشور نظارت دارند. این ارکان حکمرانی و نظام سیاسی هستند که نباید از چشم رصدگر نمایندگان مجلس دور باشند. مسئله‌ای که مدت‌هاست در رودریابستی‌های مرسوم با دادوستدهای سیاسی مورد بی‌مهری قرار گرفته و بخش‌های مهمی از کشور از دیده‌بانی محفوظ و گزارشی به مردم داده نشده است. دوم مجلس بر اعمال تصدی و اعمال حاکمیت نهادهای تابعه حکمرانی نظارت دارد، نه خارج از این حوزه.

۳- باید عنایت داشت که فلسفه این نظارت مداخله در حوزه خصوصی یا بی‌مرزگداشتن نظارتگری مجلس نیست. چراکه در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت مقام عمومی است مگر آنچه مقنن تصریح کرده باشد. دامنه صلاحیت‌های اختیاری و اقتضائی هم آن‌قدر محدود است تا اعمال تکالیف حکمرانی باعث هجوم علیه حقوق مردم و حکومت به وسیله قانون و سوءاستفاده از قانون نشود. هرچند مجلس صلاحیت نظارتی خود را محدود کرده و تفسیر شورای نگهبان از این اصل تکلیف نظارتی را از فرد فرد نمایندگان سلب کرده و به کلیت مجلس سپرده است، اما این وضع قانونی اسباب صلاحیت مطلق برای مجلس در نظارت بر حوزه غیردولتی و

مؤسسات مستقل نیست.

۴- ثمره تحقیق و تفحص آگاهی‌بخشی به مردم و شفاف‌سازی است. هیئت تحقیق و تفحص گزارش خود را در صحن علنی می‌خواند و در رسانه‌های منشر می‌شود تا به گردش آزاد اطلاعات و داوری وجدان عمومی کمک کند. این فرایند مربوط به دستگاه‌ها و سازمان‌های اداری، سیاسی و اجرائی است. حتی نهادهای تحت نظر مقام معظم رهبری هم (صرفا با اذن وی) مسمون از تفحص نیستند چون در حوزه اعمال حاکمیت تعریف می‌شوند. پس شرط تحقیق و تفحص، نهاد حاکمیتی بودن و تحت نظارت سیاسی قرارگرفتن است.

۵- حال در هفته گذشته خبری منتشر می‌شود که ۱۸ نفر از نمایندگان در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس تقاضای تحقیق و تفحص از مراجع صدور پروانه وکالت دادگستری می‌کنند. در این طرح آمده است «در حال حاضر دو مرجع موازی متولی صدور پروانه اشتغال وکلای دادگستری هستند. اولین مرجع مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه است و دومین مرجع کانون‌های وکلای دادگستری که در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۰ به عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» نام‌گذاری شده است، یکی از موانع اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های حقوق و دیگر رشته‌های مرتبط با حرفه وکالت، آزمون‌های پیچیده و محدودیت ظرفیت جذب کارآموزان حرفه وکالت است. با توجه به اصلاح ماده (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی و الزام کانون‌های حرفه‌ای متولی خدمات عمومی به تسهیل صدور پروانه اشتغال، لازم و ضروری است که درخصوص حرفه وکالت اصلاحات اساسی انجام شود و نسبت به ساماندهی فعالیت مراجع متولی حرفه وکالت اقدام شود». اهداف غایی این طرح موجه به نظر می‌رسد، اما مسیر تحقق‌پذیری آن شکستن مرزهای صلاحیت نیست.

۶- نکته اینجاست که مگر کانون وکلای دادگستری جزئی از پیکره اجرائی و اداری کشور است که تحقیق و تفحص در آن مداخلت و موضوعیت داشته باشد؟ در ماده ۱ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری آمده است «کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود…»، آیا آقایان نماینده مطلع نیستند که کانون وکلا مستقل است و قانون خاص دارد و تحت نظارت یا سازوکار نظارتی تقنینی متمایزی است؟ آیا کانون وکلا را نهاد عمومی دولتی و زیرمجموعه قوه قضائیه پنداشته‌اند. قیاس مع‌الفراق کردن ماهیت مستقل کانون وکلا با مرکز مشاوران قوه قضائیه که بدعتی ناصواب در دسترس به عدالت قضائی بوده با چه هدفی صورت می‌پذیرد؟

۲۰۱۹، نیمی از تولید نفت عربستان سعودی با حمله موشکی حوثی‌ها در یمن متوقف شد.

**نیازواشگتن به ریاض**

به نظر می‌رسد «حمله روسیه به اوکراین»، «میزان تولید نفت عربستان سعودی»، «توافق احتمالی هسته‌ای با ایران» و «جنگ در یمن»، از محورهای اصلی گفت‌وگوها میان مقام‌های واشنگتن و ریاض بوده است. علاوه بر مسائل سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک، مسائل اقتصادی به‌ویژه افزایش بهای انرژی پس از حمله روسیه به اوکراین، دولت بایدن را بر آن داشته است تا برای تقویت روابط با عربستان سعودی تلاش کند. آمریکا تلاش می‌کند از ظرفیت‌های عربستان سعودی برای تأثیرگذاری در بازارهای انرژی استفاده کند تا درنهایت قادر باشد سیاست خود را در قبال روسیه و بحران اوکراین مطمئن‌تر پیش ببرد. به نوشته وال‌استریت ژورنال، هرچند خود ایالات متحده به‌واسطه افزایش توان تولید در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، مانند قبل به منابع انرژی عربستان سعودی وابسته نیست اما برای متحدان آمریکا در اروپا موضوع متفاوت است. اگر اروپا نتواند منابع دیگری برای خرید نفت و گاز روسیه پیدا کند؛ درنهایت به خرید منابع انرژی از مسکو ادامه می‌دهد و این امر به معنای تأمین منابع مالی ماشین جنگی پوتین رئیس‌جمهور روسیه، خواهد بود.

این روزنامه در بخش دیگری از گزارش تحلیلی خود این‌طور استدلال کرد که اگر کشورهای غربی خواهان شکست پوتین هستند، ایالات متحده باید بتواند قبیل از آنکه اتحاد نظامی «ناتو»، به سبب بهای بالای نفت و نرخ تورم در هم بشکند، ریاض را متقاعد کند که تولید نفت خود را افزایش دهد. ظرفیت مازاد تولید نفت عربستان سعودی ۱.۲ میلیون بشکه در روز است. این میزان، دوبرابر ظرفیت تولیدی امارات متحده عربی است؛ کشوری که خودش هم می‌تواند به افزایش تولید و کاهش بهای نفت یاری برساند.

دیر با زود رهبران آمریکا و عربستان سعودی باید به یک راهبرد دفاعی به‌منظور حفاظت از میداین نفتی عربستان سعودی دست یابند؛ راهبردی که تأمین‌کننده امنیت ریاض در برابر ایران است.

در مقابل، عربستان سعودی می‌تواند تولید خود را افزایش دهد تا هم‌پیمانان اروپایی ایالات متحده از کمبود انرژی و رکود اقتصادی نجات یابند.

از طرف دیگر، یک توافق صلح در یمن، هرچند یک پیروزی برای عربستان سعودی به شمار می‌رود اما هم‌زمان می‌تواند به‌عنوان یک موفقیت کوچک برای دولت بایدن که خود را متعهد به پایان جنگ یمن معرفی می‌کند نیز به حساب آید. وال‌استریت ژورنال با اشاره به انتصاب سفیر جدید ایالات متحده در ریاض و پیشینه کاری او در اسرائیل، می‌نویسد: هرچند ریاض و تل‌آویو، به‌طور غیررسمی در راستای «مهار ایران»، با هم همکاری می‌کنند اما ایالات متحده امیدوار است سفیر تازه این کشور بتواند به برقراری روابط کامل دیپلماتیک میان ریاض و تل‌آویو کمک کند؛ شرایطی که امکان دسترسی به یک خط لوله امن را فراهم می‌کند تا نفت مستقیم از طریق دریای سرخ و اسرائیل، به مدیترانه و اروپا منتقل شود.

**میناجیگری میان عربستان و اسرائیل**

تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک میان عربستان و اسرائیل دیگر موضوعی است که رابزنی‌های واشگتن و ریاض را در هفته‌های اخیر افزایش داده است. روزنامه دیلی‌میل گزارش داده که نمایندگان جو بایدن درحال انجام مذاکراتی محرمانه با عربستان سعودی و اسرائیل هستند تا روابط ریاض و تل‌آویو را با یکدیگر برقرار کنند. این روزنامه بریتانیایی در گزارشی تلاش کاخ سفید در این زمینه را نوعی بدعت‌گذاری در سیاست خارجی آمریکا توصیف کرد.

ایندیپندنت به نقل از این روزنامه می‌نویسد «تمرکز» مذاکرات کاخ سفید با عربستان سعودی و اسرائیل بر روی «مالکیت دو جزیره غیرمسکونی مناقشه‌برانگیز در دریای سرخ» قرار دارد؛ جزایری که به گفته این روزنامه بریتانیایی «یک مانع بزرگ» بر سر راه هر نوع عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسرائیل محسوب می‌شود.

موفقیت این مذاکرات محرمانه نوعی بدعت‌گذاری در روابط بین‌الملل خواهد بود. این بدعت از آن جهت حائز اهمیت است که عربستان سعودی، از ابتدای تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، آن را به رسمیت نشناخته است. بااین‌حال، همان‌طورکه در گزارش دیلی‌میل هم به این موضوع اشاره شده است، عربستان سعودی و اسرائیل در دهه‌های اخیر روابط سیاسی نسبتاً نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. از این جهت غالب ناظران سیاسی بر این باورند که در صورت عقد قراردادی میان عربستان سعودی و اسرائیل مبنی بر آغاز روابط دیپلماتیک، اهمیت این قرارداد چشمگیرتر از «پیمان ابراهیم» خواهد بود. «پیمان ابراهیم» در سال ۲۰۲۰ و با ابتکار دونالد ترامپ محقق شد و به‌واسطه عقد این پیمان، کشورهای بحرین، مراکش و امارات متحده عربی روابطشان را با اسرائیل عادی‌سازی کردند.

جو بایدن امیدوار است که تا پیش از آغاز سفرش به منطقه خاورمیانه در انتهای ماه ژوئن، توافق میان عربستان سعودی و اسرائیل را محقق کند. با این وجود، همان‌طورکه پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، موضوع مالکیت دو جزیره در دریای سرخ، یعنی جزایر تیران و صنافیر، ازجمله موانع پیشرفت مذاکرات است. دیلی‌میل در این مورد چنین نوشته است: «یکی از موانع اصلی هرگونه معامله‌ای میان عربستان سعودی و اسرائیل این است که با جزایر تیران و صنافیر که بین مصر و عربستان سعودی قرار دارند، چه باید کرد؟».

مالکیت این جزایر از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول، میان عربستان سعودی، مصر و اسرائیل جا‌به‌جا شده است. بااین‌حال عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهوری مصر، در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد مالکیت این جزایر به عربستان سعودی تعلق دارد و در همان سال فرایند واگذاری مالکیت آنها به عربستان سعودی را آغاز کرد؛ اقدامی که با مخالفت شدید برخی نیروهای سیاسی مصر مواجه شد. با این وجود، دادگاه عالی مصر در سال ۲۰۱۸، توافقی را که سیسی با رهبران عربستان سعودی انجام داده بود، تأیید کرد.

اسرائیل نیز در واکنش به این توافق اعلام کرد واگذاری مالکیت جزایر تیران و صنافیر به عربستان سعودی را خواهد پذیرفت اما با این پیش‌شرط که یک نیروی نظامی چندملیتی در جزایر مورد نظر مستقر باشد تا از مسیرهای کشتیرانی در خلیج عقبه و دریای سرخ محافظت کند. در مقابل، عربستان سعودی می‌گوید موافق «غیرنظامی»‌کردن جزایر تیران و صنافیر است، درعین‌حال که متعهد می‌شود آزادی ناوبری را برای همه کشتی‌ها تضمین کند.

مقام‌های اسرائیل گفته‌اند که می‌توانند بر سر این موضوع با عربستان سعودی به توافق برسند اما به شرط آنکه تضمین‌های امنیتی جایگزینی وجود داشته باشد که نگرانی‌های مدنظر اسرائیلی‌ها را برطرف کند. به‌این‌ترتیب برخی منابع مطلع به اکسیوس گفته‌اند که موضوع استقرار یک نیروی نظامی چندملیتی در این جزایر یکی از نکات کلیدی مذاکرات کاخ سفید در مسیر ایجاد توافق میان عربستان سعودی و اسرائیل است. با این اوصاف اسرائیل موارد دیگری را نیز مطرح کرده است. مقام‌های اسرائیل می‌گویند از جمله موارد مدنظرشان یکی هم برقراری پروازهای مستقیم از تل‌آویو به ریاض است تا مسلمان‌های ساکن اسرائیل بتوانند به راحتی به عربستان سفر کنند.

### ادامه از صفحه اول

## جراحی اقتصادیا حراجی پول ملی

- جراحی اقتصادی -یعنی حفظ زیستگاه ایران- یعنی جلوگیری از ادامه تکیده‌شدن یک سرزمین نرؤتمند؛ ایران.

- جراحی اقتصادی یعنی جلوگیری از خشک‌شدن نخل‌های سرزمین‌مان که تاکنون هفت میلیون نفر از آنها خشکیده است.

- جراحی اقتصادی یعنی مرادبات با کشورهای مختلف به‌جای رضایت با رابطه اقتصادی با کشورهایی که بالقوه و بالفعل دشمن هستند و منافقانه و سوداگرانه رابطه ایجاد کرده‌اند.

آری حذف ارز ترجیحی اگرچه اقدامی بسیار خوب شجاعانه، مسئولانه و... است، هرگز جراحی اقتصادی نیست و با گذشت زمان همه‌چیز به جای اول بازمی‌گردد و همه عوامل تخریب ایران و منهدم‌کننده اقتصاد، بر جای خود استمرار خواهند داشت. اگر این حرف‌ها نادرست است، حداقل دستور رهبری مبنی بر اقتصاد مقاومتی را جان ببخشید. بررسی کنید کدام بند دستورالعمل اقتصاد مقاومتی مورد توجه، عنایت و اجرا قرار گرفته است. دستورالعمل اقتصاد مقاومتی هم مثل همه برنامه‌های تدوینی و مصوب، جایگاهش در قسه‌های درسته که هیچ، در گاو صندوق‌ها شده است.

## چرخه باطل

نخستین آثار این درد، در بودجه‌های سنواتی خود را نشان می‌دهد و کسری بودجه اولین پیامد آن است. پس از آن رفتار همه دولت‌ها هم شبیه به هم می‌شود؛ یعنی همه بدون استثنا در مواجهه با کسری بودجه، اقدام به اولویت‌بندی می‌کنند؛ ابتدا تکالیف (بار هزینه‌ای) را در اولویت می‌گذارند و سپس به مسائل توسعه‌ای می‌پردازند. این همان اتفاقی است که سبب شده پروژه‌های نیمه‌تمام هر سال به سال بعد انتقال پیدا کند و هزینه تکمیل آنها را سنگین‌تر کند. و به تبع آن توسعه به امری محال تبدیل شود. در چنین شرایطی است که وقتی جاده‌ها ترمیم نمی‌شوند، راه جدیدی احداث نمی‌شود، کارخانه‌ای احداث نمی‌شود و شغل ایجاد نمی‌شود، مردم با خود می‌گویند پس این حجم از اراقمی که دولت هر سال برای اداره کشور هزینه می‌کند، کجا می‌رود؟ واقعیت این است که از این دست تکالیف که بار هزینه‌ای برای کشور دارد و خروجی آن صفر است، در بودجه‌های سنواتی بسیار است. کافی است که فصل‌های هزینه‌ای بودجه را ورق بزیند تا متوجه بشنود که چرا توسعه در ایران درجا می‌زند (البته با این پیش‌فرض که تحریم‌ها هم وجود نداشته باشد). این پیش‌فرض را کنار حرکت سریع همسایه‌ها در توسعه زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی و درآمدزایی صادراتی قرار بدهید تا تفاوت سیاست‌گذاری و مدیریت کلان اقتصادی روشن‌تر شود. اگر امارات متحده در کمتر از نیم‌قرن از بیابان به توسعه رسیده یا قطر حالا گوی رقابت را در صادرات ال‌ان‌جی از بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا یعنی آمریکا بروده، نتیجه همین نوع نگرش به توسعه‌یافتگی است. این روزها عمان هم حتی در همان مسیر در حال حرکت است؛ اما ما هنوز در همان چرخه باطل قرار داریم.